

10.30497/IFR.2022.241661.1660



20.1001.1.22518290.1400.11.1.2.0

Typology of Ashura Discourses and Their Evolution, Based on Shiite Historical-Narrative Sources

Maryam Velayati *

Received: 01/10/2021
Accepted: 15/08/2022

Abstract

The Ashura movement is one of the fateful events in the history of early Islam, which the discourse of textual analysis is related to, it can be the key and central point of the school of Imamate to the society. In this research, the historical review of the discourses reproduced from the Ashura incident in the first ten centuries of Hijri is discussed, and it is investigated which narrative the authors of later historical and hadith books, deliberately or unconsciously, chose and reflected in their works? The necessity of this research is because it familiarizes the audience with the intellectual atmosphere governing the society of that day and the needs to some extent. The results of the investigations showed that five major discourses are among the discourses produced during the Ashura movement, which the authors of each historical book have reproduced according to the circumstances. The necessity of this research is because it familiarizes the audience with the intellectual atmosphere governing the society of that day and the needs to some extent. The results of the investigations showed that five major discourses are among the discourses produced during the Ashura movement, which the authors of each historical book have reproduced according to the circumstances. Among the other important discourses of this period, we can mention the discourse "Identifying the path centered on the image of the world" and the discourse "Freedom and Dignity", which have had a significant impact continuously and citing famous quotes in this period.

Keywords: *Discourse, Typology, Analytical Discourse, Ashura Traditions, Shia Hadith, Historical Sources.*

* Assistant professor of hadith in Quran & Hadith university. Tehran, Iran.

Mvelayati7@gmail.com

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۱

پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۴۵-۲۷۶

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/IFR.2022.241661.1660



20.1001.1.22518290.1400.11.1.2.0

گونه‌شناسی گفتمان‌های عاشورا و سیر تحول آن‌ها بر پایه منابع حدیثی - تاریخی شیعه

مریم ولایتی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

نهضت عاشورا یکی از حوادث سرنوشت‌ساز تاریخ صدر اسلام است که گفتمان کاوی متون مربوط به آن، می‌تواند مفاهیم کلیدی و محوری مکتب امامت را به جامعه بنمایاند. در این پژوهش تلاش شده به بررسی تاریخی گفتمان‌های باز تولید شده از حادثه عاشورا در ده قرن نخست هجری پرداخته شود و بررسی گردد که مؤلفان کتاب‌های تاریخی و حدیثی پسین، عامدانه یا ناخودآگاه، کدام نقل را برگزیده و در آثار خود منعکس کرده‌اند؟ ضرورت این پژوهش بدین خاطر است که مخاطب را با فضای فکری حاکم بر جامعه آن روز و نیازها تا حدودی آشنا می‌کند. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد پنج گفتمان عمده، در شمار گفتمان‌های تولید شده در جریان نهضت عاشورا هستند که مؤلفان کتب تاریخی هر یک به فراخور شرایط، به بازتولید آن اقدام نموده‌اند. بیشترین گفتمانی که در ده قرن نخست مورد توجه بوده، گفتمان «دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت او» است. این گفتمان در وهله نخست با بیان حسب و نسب امام و ظهور عبارت «ابن بنت النبی»، در مرتبه بعد با بیان انگیزه ایشان که تنها یاری دین خدا و پیامبر(ص) بوده و در مرتبه آخر با بیان فضائل، سعی دارد حقانیت امام را اثبات نموده و قداست این حرکت را تبیین نماید. از دیگر گفتمان‌های مهم این دوره می‌توان به گفتمان «تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا» و گفتمان «آزادگی و عزت خواهی» اشاره کرد که به‌طور مستمر و با استناد به نقل‌های مشهور در این دوره بازتاب قابل توجهی داشته‌اند.

واژگان کلیدی

گفتمان، گونه‌شناسی، گفتمان کاوی، روایات عاشورا، حدیث شیعه، منابع تاریخی.

مقدمه

«گفتمان»^۱ از منظر دانش زبان‌شناختی، بستر و چارچوب فکری خاصی است که گفت‌وگوهای مربوط به یک موضوع در قالب آن بستر و چارچوب شکل می‌گیرد. عامل شکل‌دهنده این چارچوب، کنش‌های گفتاری^۲ پرشماری است که همواره در یک جامعه رخ می‌دهد و سبب ایجاد پیوندهای خاصی میان مفاهیم مختلف می‌گردد. این پیوندها و چارچوب حاصل از آن، به‌گونه‌ای است که افراد جامعه بی آن‌که خود بدانند از آن متأثرند و همه مفاهیم رایج در فضای فرهنگی آن‌جامعه، در آن چارچوب معنا و تفسیر می‌شود (نصراوی، ۱۳۹۴، ص ۶۹)، به عبارت دیگر گفتمان یک جریان ثابت و مؤثر درباره تحلیل یک باور و آموزه است که می‌کوشد آن را در جامعه تثبیت کند (راد و قاضی‌زاده، ۱۳۹۰، بخش درآمد).

هر گفتمان شامل ریزگفتمان‌ها و انگاره‌های^۳ مرتبط با آنست. منظور از انگاره، مفاهیم بین‌الذهنی است که یک درک ساخت یافته در ذهنیت اکثریت جامعه از امور عینی یا انتزاعات ذهنی را می‌نمایاند، به‌بیان‌دیگر انگاره‌ها همه جور تصاویر ذهنی را شامل می‌شوند؛ تصویر ذهنی انسان از امور دینی و معنوی هم چون خدا، بهشت و جهنم، پاداش و عقاب، دعا، عبادت، امامت، ولایت و ...، تصویر ذهنی انسان از امور اقتصادی مثل قناعت، حرص، تجارت و ... یا تصویر ذهنی او از روابط خویشاوندی، اجتماعی، فردی و گفتمان کاوی^۴ نیز یک روش تاریخی است که پیوند عمیقی با تحلیل متن دارد تا از طریق کشف روابط زبانی آن از جمله روابط مفهومی یا معنایی^۵، تقابل^۶، جانشینی و هم‌نشینی^۷، با هم‌آیی^۸ و ... گفتمان‌های رایج هر عصر را شناسایی نماید.

آنچه در این روش اهمیت بسزایی دارد بسامد و تکرار واژگان است که می‌تواند موضوعی را به سبب تکرار فراوان واژگان و مفاهیم مرتبط با آن، تبدیل به یک گفتمان کند (برای مشاهده اطلاعات بیشتر در خصوص انگاره، روش گفتمان کاوی و جزئیات آن ر.ک: ولایتی کبایان، ۱۳۹۹).

^۱ . Discourse

^۲ . linguistic Action

^۳ . Idea or Theory

^۴ . Discourse Investigation

^۵ . Conceptual Relations

^۶ . Opposition

^۷ . Syntagmatic & Paradigmatic

^۸ . Collocation

گفتمان، از هر نوعی که باشد فرهنگ‌ساز است و می‌کوشد فرهنگ خاصی را در جامعه تثبیت کند؛ بنابراین ما معتقدیم گفتمان‌هایی که از خلال روایات تاریخی مربوط به نهضت عاشورا استخراج می‌شود، اولاً و بالذات به هدف تأثیرگذاری بوده و درثانی قصد تغییر جدی فرهنگی را داشته که از اسلام حقیقی فاصله گرفته بود. این گفتمان‌ها که در بستر دینی شکل گرفته و از دلالت متنی و فرامتنی متون قابل استخراج هستند، هر یک به‌نوبه خود سهمی در تکمیل پازل معرفتی شیعه امامیه را داراست.

طرح مسئله

اگر به یک واقعه تاریخی با نگاه سطحی نگریسته شود ارزش و اهمیت آن به‌خوبی درک نخواهد شد و چه‌بسا مشابه آن واقعه، در مقطع زمانی دیگر تکرار شده و پیامدهای آن گریبان افراد را بگیرد (عیوضی، ۱۳۹۰، بخش اول مقاله). یکی از روش‌هایی که زمینه تحقق یک نگرش واقعی و ژرف را برای پژوهشگر مهیا می‌سازد و او را به قضاوت دقیق‌تری نسبت به موضوع رهنمون می‌سازد، روش گفتمان کاوی است؛ اینکه از خلال گفت‌وگوهای افراد مؤثر در یک واقعه، به گفتمان‌ها و انگاره‌های مطرح در آن مقطع زمانی دست پیدا کنیم. پژوهش حاضر قصد دارد با اعمال روش گفتمان کاوی تاریخی، گفتمان‌های رایج در زمان وقوع حادثه کربلا را از دل روایات تاریخی منابع حدیث شیعه بکاود و با توجه به ترتیب تاریخی آن‌ها، سیر تحول و تطور آن‌ها را مشخص سازد و دریابد منابع موجود هر سده به تفکیک، بازتاب‌دهنده کدام یک از گفتمان‌ها و انگاره‌ها بوده‌اند.^۱

نتایج حاصل از این روش، می‌تواند مفاهیم کلیدی و محوری مکتب امامت که در قالب گفتمان به جامعه عرضه شده را بنمایاند. در این روش بدون تحمیل پیش فرضی خاص بر متن و بدون در نظر گرفتن نتایج از پیش تعیین شده که حاصل حدس و گمان است، به سراغ متن رفته و اجازه می‌دهیم با ما سخن بگویند و ما را به فضای صدور خود منتقل سازد. توجه به این نکته ضروری است که در روش گفتمان کاوی، چنان‌که از نام آن پیداست، به دنبال کشف و استخراج گفتمان‌ها هستیم و معتقدیم بر اساس نظریه آوای متعارض باختین یا مؤلفه محوری طرد، عموماً گفت‌وگوهای تولید شده در دوره‌های مختلف، حاصل گفت‌وگوهای مقابل آن هستند و در تقابل با آن‌ها پدید آمده‌اند.

^۱. محمد نصرآوی، از افرادی است که از اصطلاح «گفتمان کاوی» بهره برده و پژوهش‌هایی را در این باره عرضه نموده است. دقت در عناوین پژوهش‌های وی، در عین حال که مرتبط با پژوهش حاضر است، تفاوت روش و رویکرد ایشان را با این پژوهش مشخص می‌سازد.

بر این اساس گفته می‌شود گفتمان صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌های منسجم نیست؛ بلکه دو روال در بحث گفتمان وجود دارد؛ یکی روالی که می‌کوشد انگاره‌های خاصی را رواج دهد و روال دیگر که در تلاش است تا میان آن گزاره‌ها و گزاره‌های دیگر مرزی بنا نهد و از رواج آن‌ها ممانعت به عمل آورد. (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰).

طبق این نظریه می‌توان ادعا نمود که روایات و گزارش‌های تاریخی، بازتاب گفتمان‌هایی است که به صورت هدفمند و در پاسخ به اقتضائات جامعه توسط گویندگان آن‌ها ایراد شده و وظیفه پژوهشگر، تأمل در این متون و استخراج آن‌هاست تا از این رهگذر به تصویر واقعی‌تری از آن پدیده و بسترهای شکل‌دهنده آن دست یابد.

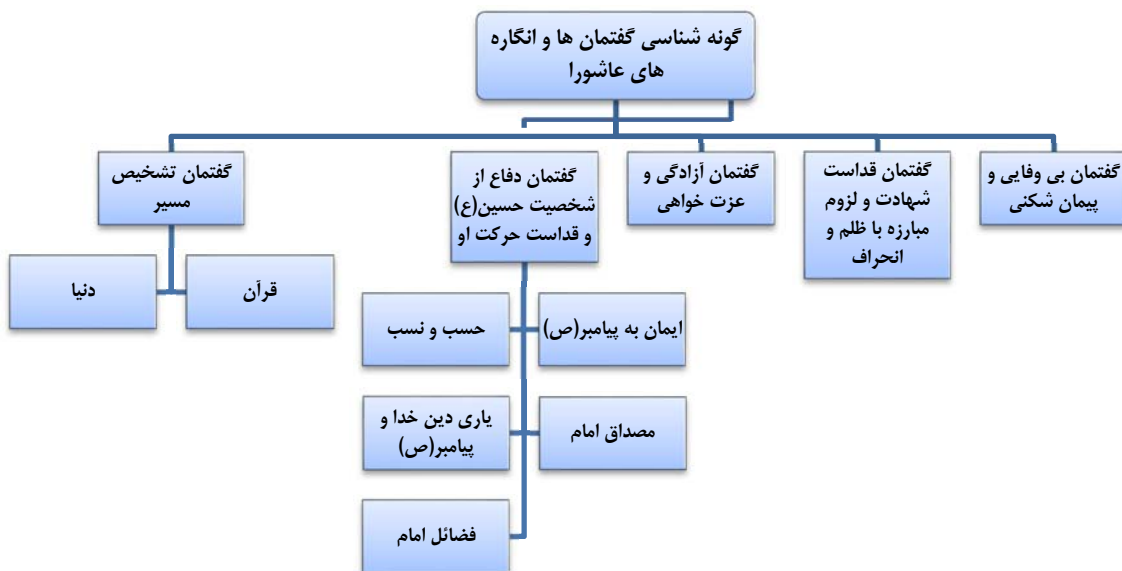
تمام منابع مورد استفاده در این پژوهش کتاب‌های حدیثی - تاریخی شیعه است، به استثنای یک مورد منبع سنی که به دلیل انحصار اشتمال بر خطبه‌های زنان تاریخ صدر اسلام، از آن استفاده شده است (بلاغات النساء). محدوده زمانی پژوهش نیز تا قرن دهم هجری است؛ به این دلیل که متون پس از این سده، عمدتاً تکرار منابع پیشین است، به‌ویژه بحارالانوار علامه مجلسی که تقریباً به همه نقل‌های قبلی اشاره کرده و لذا سیر تحول گفتمانی، حاوی اطلاعات جدیدی از منابع سده دهم هجری به آن سو نیست.

برای دست‌یابی به مسئله پژوهش، ابتدا متونی را گزینش کرده‌ایم که بیانگر صرف مکالمات است، نه اطلاعاتی راجع به ابعاد مختلف نهضت عاشورا. این مکالمات شامل سخنانی است که قبل از نهضت عاشورا میان امام و مخالفان، یاران ایشان و مخالفان و بعد از آن، میان حضرت زینب (س) و یزید، امام سجاد (ع) و یزید، افراد مختلف و یزید و... رد و بدل شده است. در مرحله بعد به بسامد و تکرار واژگان به کار رفته در این متون و روابط بین آن‌ها توجه کرده‌ایم، طبیعتاً واژگان و موضوعاتی گفتمان سازند که از تکرر و بسامد بالایی برخوردار باشند. در مرحله بعد، متن گزارش‌ها را به قصد استخراج گفتمان‌ها مورد کنکاش قرار داده‌ایم. این مرحله در واقع ناظر به احیای متن به‌ظاهر مرده است. پژوهشگر می‌کوشد بدون تحمیل پیش فرضی خاص بر متن و بدون آن‌که نتایج از پیش تعیین شده‌ای را برای پژوهش در نظر بگیرد که مبتنی بر حدسیات باشد، صرفاً به سراغ متن رفته و تلاش می‌کند روح حاکم بر آن را کشف کند و از متن به فضای صدور متن منتقل شود.

پیش از آن‌که بازتاب گفتمان‌ها و انگاره‌های مرتبط با آن را در منابع تاریخی مورد واکاوی قرار دهیم، لازمست ابتدا درباره گونه‌های گفتمان‌های کشف‌شده و انگاره‌های ذیل آن به بیان توضیحاتی بپردازیم.

۱. گونه‌شناسی گفتمان‌ها و انگاره‌های عاشورا

از بررسی روایات و گزارش‌های تاریخی مربوط به عاشورا، چندین گفتمان مهم و اساسی، با شرط بسامد بالا و برخوردار از معنا و مفهوم اجتماعی ناظر به عاشورا قابل استخراج است. عناوین این گفتمان‌ها عبارتند از: گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت او، گفتمان قداست شهادت و لزوم مبارزه با ظلم و انحراف، گفتمان آزادگی و عزت خواهی، گفتمان تشخیص مسیر و در نهایت گفتمان بی‌وفایی و پیمان‌شکنی. برخی از گفتمان‌های فوق شامل انگاره‌هایی است که به‌طور جزئی و زیرمجموعه‌ای، ذیل آن‌ها جای می‌گیرد. در ادامه به تمامی این موارد اشاره خواهیم نمود. خلاصه بحث، در نمودار زیر قابل مشاهده است.



۱-۱. گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت او

در میان گفتمان‌های یادشده، بیشترین بسامد متعلق به گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت اوست که با گفت‌وگوهایی در موضوع «حساب و نسب امام و یاران‌شان»، «ایمان به پیامبر(ص)» و «یاری دین خدا و پیامبر(ص)»، «مصدق امام» و «بیان فضائل» بازتاب یافته است. در اینجا اگر می‌بینیم امام به کرات، نسب خود با پیامبر(ص) را یادآوری می‌کند، قوت ایمان خود به ایشان را تذکر می‌دهد، به استقامت خود در یاری دین خدا و پیامبر(ص) تصریح

می‌کند، سرسلسله امامت را معرفی می‌کند و فضائل خود را برمی‌شمرد، همه به این خاطر است تا از شخصیت خود دفاع کند و به حرکت خود قداست ببخشد و تمایز آن را با جریان انحرافی سپاه یزید روشن سازد؛ همان جریانی که با کاربرد عبارت «یا ابن فاطمه» می‌کوشد جایگاه حسین(ع) در اسلام را تضعیف و یا انکار کند. این موضوعات به نوعی انگاره‌های مرتبط با گفتمان یادشده هستند که از میان آن‌ها، انگاره «حسب و نسب» از پرتکرارترین آن‌ها در جریان نهضت عاشورا است.

با توجه به اهمیت فوق‌العاده عرب به این مقوله، تعدد و پرتکراری آن کاملاً قابل توجیه است. البته امام و یارانشان به نسب خود، به انگیزه مفاخره آن‌طور که رسم متداول میان اعراب بود، توجه نمی‌دادند؛ بلکه به قصد بیان طهارت نسل، قرابت با پیامبر(ص)، آشکارسازی فضایل، اثبات حقانیت و از همه مهم‌تر حفظ حرمت بدان تصریح می‌نمودند. برای نمونه امام حسین(ع) می‌فرماید: «أَنَا ابْنُ عَلِيِّ الطُّهْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ، كَفَّانِي بِهَذَا مَفْحَرًا حِينَ أَفْحَرُ، وَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ أَكْرَمُ مَنْ مَضَى، وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ نَزْهَرٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۴۹) و یا امام زین العابدین(ع) می‌فرماید: «أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ... أَنَا ابْنُ مَنْ أَنْتَهَكَ حَرِيمُهُ وَ سُلِبَ نَعِيمُهُ وَ انْتَهَبَ مَالُهُ وَ سُبِيَ عِيَالُهُ أَنَا ابْنُ مَنْ قُتِلَ صَبْرًا وَ كَفَى بِدَلِكِ فَحْرًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۱۲-۱۱۳).

امام و همراهان ایشان در جای‌جای سخنان خود، مخالفان را به پیوند خود با پیامبر(ص)، امام علی(ع)، حضرت زهرا(س) و اجداد پاکیزه و مطهر خویش توجه می‌دهند و از ایشان می‌خواهند که با این سخنان، شک و تردید خود را زایل نموده و در نتیجه حرمت این خاندان را نگه دارند. امام زین العابدین(ع) و حضرت زینب(س) در جای‌جای سخنان خود تصریح می‌کنند که در حق امام و ذریه پیامبر(ص) هتک حرمت «انتهاک الحرمه» صورت گرفته (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، صص. ۱۱۲ و ۱۸۲ و ۱۳۴). ولی پاسخ مخالفان چیزی نیست جز عبارت «يَا حُسَيْنُ مَا هَذَا الَّذِي تَقُولُ أَفْهَمْنَا حَتَّى نَفْهَمُ»؛ ما نمی‌دانیم تو چه می‌گویی، این چه سخنانی است که می‌گویی و... که بیانگر انکار سرسختانه ایشان است و نشان می‌دهد این‌گونه نبوده که حق و افراد آن را نشناسند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۵۰؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۲۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، صص. ۱۶۳-۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، صص. ۷ و ۸۲ و ۱۱۱ و ۱۳۸ و ۱۲۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۴۳۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۰؛ جزائری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۰۵).

بلکه عواملی چون قساوت و سیاهی قلب (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۰۸؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۹۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۵۹؛ شامی، ۱۴۲۰، ص ۵۵۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۳؛ سید بن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۵۲)، پُر شدن شکم از مال حرام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۸) و زنازادگی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۴۳ و ۸۳ و ...)، سبب شد تا حرمت اهل حق نگه داشته نشود و حقانیت ایشان مورد انکار قرار بگیرد و در مقابل، خود را حق کامل دانسته و ماجرا را طوری جلوه دهند که گویا امام مقصر تمامی این جریانات است. شواهد نشان می‌دهد ابن زیاد، یزید و طرفدارانشان خود را حق کامل می‌دانستند؛ یا حقیقتاً و یا به انگیزه عوام فریبی، و لذا سعی داشتند امام را مسبب همه این جریانات معرفی کنند (نمونه‌ها را بنگرید در: حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۲۲؛ ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۶۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۷۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۲).

چنانچه این موارد را در کنار ترس وافر یزید و ابن زیاد از رسوایی (نمونه‌ها را بنگرید در: ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۴۲) و فرار از حقیقت (اینکه افراد حق گو را به سرعت می‌کشتند تا مایه رسوایی‌شان نشوند) قرار دهیم، درمی‌یابیم که این افراد حق را کاملاً می‌شناختند و گرنه فرد جاهل به حقیقت، چنین واکنش‌های هوشمندانه‌ای را از خود نشان نمی‌دهد. البته سپاه ابن یزید به تمامه این‌گونه نبودند، عده‌ای نیز از سر جهالت به این ورطه گرفتار آمده بودند (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۷۵؛ ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۹۷؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۹۹). در مجموع هدف از حضور پررنگ و برجسته انگاره حسب و نسب، اینست که حق مطلق انکار نشود، حرکت مقدس امام وارونه جلوه داده نشود و در نتیجه هتک حرمت خاندان پیامبر(ص) که یکی از باهم آبی‌های پرتکرار انگاره حسب و نسب است، صورت نگیرد که متأسفانه به دلایلی که گفتیم این عمل انجام شد.

انگاره «ایمان به پیامبر(ص)» یکی دیگر از مفاهیم ذهنی پرتکرار در گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) است. نقل‌های متعدد، با به تصویر کشیدن ایمان غیریقینی برای مخالفان و در مقابل، ایمان راسخ و محکم برای یاران امام، سعی دارد تصور ذهنی مردم درباره کیفیت ایمان به پیامبر را اصلاح کند و به ایشان بفهماند که ایمان حقیقی به پیامبر با حفظ حرمت منبر پیامبر(ص) و احترام به ظواهر حاصل نمی‌شود؛ بلکه باید آن را فراتر از ظواهر جست که وفاداری نسبت به ذریه ایشان و آرمان‌های آن‌ها از بارزترین مصادیق آنست.

جلوه‌ای از ایمان غیریقینی مخالفان را در بیتی از سروده‌های منهل بن عمرو نیز می‌بینیم: «يُعْظَمُونَ لَهُ أَعْوَادَ مَنِيرِهِ وَ تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ أَوْلَادُهُ وَضَعُوا»؛ این امت چوب‌های منبر پیامبر خدا را بزرگ می‌شمارند؛ در حالی که فرزندان پیغمبر را پایمال می‌کنند (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۹۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۴۳). دقت در واژگان متون یادشده و تحلیل زبانی آن‌ها نشان می‌دهد امام و همراهان ایشان در صدد القای این واقعیت هستند که ایمان غیر یقینی مخالفان به پیامبر (ص) سبب مقابله آن‌ها با ذریه ایشان شده و گرنه به مجرد مشاهده ایشان در موضع ظلم و مشقت، به هر قیمتی شده از آنان حمایت کرده و جان خود را فدا می‌نمودند.

انگاره «یاری دین خدا و پیامبر (ص)» به‌عنوان سومین مفهوم ذهنی پرتکرار در گفتمان یادشده، از یک‌سو به مردم می‌فهماند که یاری دین خدا و پیامبر (ص) حتی با گذشتن از جان هم که شده واجب است و از سوی دیگر، پرده از انگیزه امام و یارانشان برمی‌دارد و نشان می‌دهد هدف اصلی ایشان مواردی چون حکومت، جایگاه، زر و سیم، انتقام و .. نبوده؛ بلکه تنها قصد یاری و حمایت از دین خدا و پیامبر (ص) را داشتند. کاریست واژگان امام و شهید در مکالمات مربوط به این انگاره، به‌عنوان با هم‌آیی‌های پرتکرار، نشان می‌دهد: اولاً مفهوم امامت در ابتدای مسیر ساخت یافتگی خود است و در فضایی که عامه مردم نگرش دقیقی از امام و شئون امامت ندارند، با کاریست واژه امام در کلمات معصومین، به تدریج شناخت صحیحی از مفهوم امام و ابعاد امامت در حال تزریق به جامعه است و درثانی، انگاره مزبور را با مفهوم شهادت پیوند می‌زند و سعی دارد این تصور نادرست که حضور در جنگ صرفاً منوط به منفعت طلبی‌های مادی است را اصلاح کند و بر انگیزه‌های معنوی هم چون یاری دین خدا به خاطر خدا و ولی خدا تأکید بورزد.

سبب تأکید بسیار امام و یارانشان بر ترویج این انگاره، اینست که بعداً مخالفان، هدف اصلی نهضت امام و هم‌چنین هدف خود از این حرکت را مصادره به مطلوب نکنند؛ یعنی اهداف دیگری هم چون ظالم بودن امام، تکبر و تفاخر و ... را به‌جای دفاع از دین خدا به جامعه القا نمایند و به انگیزه اصلی خود که از بین بردن دین خدا بوده سرپوش نگذارند. از تحلیل مضامین روایات مربوط به این انگاره کاملاً می‌توان دریافت که مطامع دنیوی و منفعت‌طلبی‌های مادی جایگزین انگیزه‌های معنوی شده است. انگاره «مصدق امام» چهارمین مفهوم ذهنی مرتبط با گفتمان دفاع از شخصیت حسین (ع) است. تعداد معدودی از نقل‌های این موضوع در لفافه بیان می‌کند که برخی صف‌کشی‌ها و مرزبندی‌های عاشورا، ریشه در تفرقه‌های عصر پیامبر (ص) در مسئله جانشینی دارد. این نقل‌ها را از آن رو که ناظر به تبیین مصداق امام است، در شمار گفتمان یادشده جای داده‌ایم و از آن با انگاره «مصدق امام» یاد کرده‌ایم.

از آنجا که اختلاف در تشخیص مصداق امام، همواره یکی از موضوعات پرچالش مباحث امامتی بوده، در برخی از مکالمات، یاران امام سعی دارند تصور ذهنی مخاطب در خصوص مصداق امام را اصلاح کنند و لذا به ذکر اولین مصداق اقدام می‌کنند تا نقطه شروع، تبیین گر خط سیر امامت باشد و این نکته به مخاطب یادآوری شود که وضعیت فعلی جهان اسلام، در نتیجه تشخیص نادرست اولین مصداق است و چنانچه از این مسئله غفلت زدایی شود، امید به نجات هم چنان وجود دارد. نکته مهم قابل توجه در اینجا اشاره به تعبیری چون شیعه علی و شیعه عثمان در روایات عاشورا است. این تعبیر ناظر به وجود دو جریان دینی نیست؛ بلکه دو جریان از یک عملکرد است؛ رویکرد مردم‌گرا و رویکرد اشرافی عثمان که اموال را میان اطرافیان خود تقسیم می‌کرد.

انگاره «فضائل امام»، بعد دیگری از گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) را به تصویر کشیده است. نقل‌های مرتبط با این مفهوم، ناظر به فضائل و شئون امام است؛ یعنی ویژگی‌ها و فضائل امامان بعد از پیامبر(ص) به‌ویژه امام حسین(ع) را مطرح می‌کند. تعداد گزارش‌های این دسته بسیار بیشتر از روایات مربوط به مصداق امام است. این روایات در تقابل با سخنان کذبی است که ابن زیاد، یزید و سایر مخالفان سعی داشتند به جامعه القا کنند. آن‌ها می‌کوشیدند با تخریب چهره امام، خاندان و یاران ایشان و انتساب دروغین فضائل به خود، حقانیت ذریه پیامبر(ص) را به چالش کشیده و آن را به خود نسبت دهند. در چنین وضعیتی کاملاً طبیعی است که مخاطب سخنان ایشان، یا دچار تردید شده و یا به آن تن می‌دهد؛ بنابراین سخنان روشنگرانه امام و یارانشان می‌تواند در اصلاح چنین ذهنیتی کارآمد باشد. در واقعیت نیز چنین بوده، مکالمات طرفینی نشان می‌دهد برخی از افراد ناآگاه با روشنگری‌های امام در بیان فضائل خود و خاندان عصمت، از باور پیشین خود دست کشیده و به حقانیت اهل بیت(ع) پی برده‌اند.

۱-۲. گفتمان قداست شهادت و لزوم مبارزه با ظلم و انحراف

دومین گفتمان حاصل از بررسی‌های روایات عاشورا، گفتمان «قداست شهادت و لزوم مبارزه با ظلم و انحراف» است که ریزگفتمان یا انگاره خاصی ذیل آن مطرح نیست؛ اما با دو نقل مشهور حضرت یحیی(ع) و حضرت زینب(س) در منابع حدیثی بازتاب دارد. گزارش مربوط به حضرت یحیی(ع)، آشکارا بیانگر لزوم مبارزه با ظلم و انحراف است که نهایتاً نتیجه آن شهادت خواهد بود.

نقل مربوط به حضرت زینب(س)، بیانگر آن است که مرگ امام و یارانشان، مرگ شهادت است و در سرای آخرت عزت مندانه نزد پیامبر(ص) حضور خواهند یافت و در مقابل، جزا و

عقوبت مخالفان به ایشان ارجاع داده می‌شود و به حضور آن حضرت، شرم سارانه، خواهند رسید و در نتیجه امروز می‌بایست اندکی با خود بیاندیشند که با ارتکاب چنین اعمالی در حق ذریه ایشان، آیا می‌توانند پاسخگوی آن حضرت در آن روز دشوار باشند؟ شواهد و نمونه‌های مربوط به این گفتمان در ضمن بحث اصلی خواهد آمد.

۳-۱. گفتمان تشخیص مسیر

گفتمان «تشخیص مسیر» از دیگر گفتمان‌های قابل توجه در میان روایات عاشورا است. گفتمان مزبور به تعدد در سخنان امام و یاران ایشان قابل مشاهده است؛ گفت‌وگوهای متعدد درباره تشخیص مسیر، راه هدایت یا ضلالت و هشدار به مخالفان که راه اشتباه را برگزیده‌اید. مکالمات یاران امام و نیز خود ایشان، ناظر به مذمت تبعیت کورکورانه سپاه ابن زیاد از سردمداران کفر است و ابراز تأسف از این که چرا این تبعیت کورکورانه بر اطاعت عاقلانه و با چشم باز ترجیح داده شده؛ برای نمونه در نقل امام سجاد(ع) «كَانَتْنا مِنْ أُسارى الرُّومِ بَيْنَهُمْ، كَأَنَّ ما قالَهُ الْمُخْتارُ كاذِبُهُ، كَفَرْتُمْ بِرَسُولِ اللَّهِ وَجَحَكْتُمْ، فَكُنْتُمْ مِثْلَ مَنْ ضَلَّتْ مَدَاهِبُهُ»، به مسئله گمراهی و عدم تشخیص مسیر صحیح، به صراحت اشاره شده است (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۴۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۲۷).

از دلالت مجموع نقل‌های مرتبط با این گفتمان می‌توان دریافت از آن رو که مردم دچار ضعف در عقلانیت هستند و تصورشان نسبت به انگاره‌هایی چون دنیا، قرآن، حق و ... مبتنی بر ذهنیات غلط و اشتباه است، در تشخیص مسیر صحیح به بیراهه رفته‌اند؛ شناختشان از دنیا سطحی است، قرآن را وانهادند و حق را به استهزاء گرفته‌اند. در چنین فضایی امام سعی دارد با تبیین ماهیت اصلی مفاهیم یادشده، تا جای ممکن ذهنیت نادرست ایشان را اصلاح کرده و باور اشتباهشان را از پیرایه‌ها بزدايد؛ از این رو به نظر می‌رسد دو انگاره مهم دنیا و قرآن از پرسامدترین مفاهیم ذهنی مرتبط با گفتمان تشخیص مسیر است.

این که در نقل‌ها دیده می‌شود به تعدد به اهمیت و جایگاه قرآن اشاره شده، دقیقاً به این معناست که نگاه مردم آن عصر به ماهیت قرآن و کارکرد آن، نگاه مطلوبی نیست و نیازمند اصلاح است. امام و یاران ایشان در موارد متعدد سعی دارند این واقعیت را به مردم القا کنند که معانی و مفاهیم والای قرآن باید در بطن زندگی وارد شود و این تصور نادرست که قرآن افسانه است و یا فقط باید آن را قرائت و حفظ نمود، نیازمند اصلاح است.

۱-۴. گفتمان آزادگی و عزت خواهی

گفتمان «آزادگی و عزت خواهی» و به تعبیر دیگر، گفتمان «کرامت انسانی در ورای دین» از دیگر گفتمان‌های مهم مستخرج از روایات عاشورا است. به نظر می‌رسد این گفتمان، جایگزین خوبی برای گفتمان‌های امامتی است؛ چون در این دوره به دلیل ناآشنایی عامه مردم با مفهوم امام و شئون امامت، به ناچار می‌بایست از آن استفاده نمود؛^۱ به این معنا که حضرت نه از جایگاه یک امام بلکه از منظر یک انسان با گروه مخالفان مواجه می‌کند و با توجه دادن ایشان به حریت و آزادگی از آن‌ها می‌خواهد که حق را انکار نکنند. از سویی خود نیز زیر بار ذلت نمی‌رود و همواره به این حقیقت تأکید دارد که خاندان پاک پیامبر(ص) به دلیل ویژگی آزادگی و حریت، به ذلت و خواری حقیران و زنازادگان تن نمی‌دهند و همه کسانی که همراه حضرت در نهضت عاشورا هستند نیز از این ویژگی برخوردارند؛ از این رو تن به ذلت و خواری ندادن یکی از باهم آیی‌های پرتکرار این گفتمان است.

۱-۵. گفتمان بی‌وفایی و پیمان‌شکنی

آخرین گفتمان اخلاقی که به تکرار در روایات عاشورا قابل مشاهده است، گفتمان «بی‌وفایی و پیمان‌شکنی» است. ظهور این گفتمان و تأکید بر پیمان‌شکنی گروه مخالف و استقامت و پایداری یاران امام، در رجزهای به‌جا مانده از اصحاب ایشان نیز دیده می‌شود. از مجموع سخنان امام و یاران ایشان در این موضوع، چنین استنباط می‌شود که یکی از دلایل عمده عهدشکنی، وراثتی است و در مردم نهادینه است، هرچند از تذکرات پی‌درپی امام معلوم می‌گردد همین ویژگی وراثتی نیز قابل اصلاح است و اگر سایر عوامل وجود داشته باشد می‌توان آن را کنترل و اصلاح نمود، در غیر این صورت تذکرات امام بیهوده بود. در موارد متعدد امام خطاب به سپاه ابن سعد می‌فرماید: به خدا سوگند بی‌وفایی در میان شما معروف است، رگ و ریشه شما به بی‌وفایی سرشته شده، اصل و فرع یعنی پدران و فرزندان شما بی‌وفایی را به ارث نهاده و به ارث برده‌اند، قلب‌های شما بر آن راسخ و ثابت شده است. آگاه باشید که لعنت خدا بر آن افرادی است که پیمان شکن باشند. همان اشخاصی که قسم‌های خود را بعد از اینکه تأکید نمودند شکستند، شما خدا را برای خود وکیل و کفیل قرار دادید به خدا قسم که شما همان افراد هستید (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۸-۹).

^۱ پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد انگاره‌های مربوط به گفتمان امامت به طور جدی و گسترده از زمان امام سجاد(ع) آغاز شده و تا پیش از آن موقعیت طرح نداشته است.

۲. سیر تطور گفتمان‌های عاشورا

اکنون که با گفتمان‌ها و انگاره‌های مستخرج از روایات تاریخی عاشورا آشنا شدیم و یک تصویر کلی از آن‌ها در ذهن شکل گرفت، با توجه به ترتیب تاریخی منابعی که نقل‌های مزبور را گزارش کرده‌اند، به واکاوی سیر تطور آن‌ها پرداخته و در انتها نتایج را تحلیل خواهیم نمود.

۲-۱. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده دوم هجری

از میان منابع شیعی سده دوم هجری، ابومخنف کوفی (م ۱۵۷ق) روایات مربوط به عاشورا را در کتاب *وقعه الطف* گزارش نموده است. در میان نقل‌های این کتاب، گزارش‌هایی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها گفتمان دفاع از شخصیت حسین (ع) و قداست حرکت وی و همچنین برخی انگاره‌های مرتبط با آن را استخراج نمود. امام در نقلی از این کتاب مخالفان را به تأمل در حسب و نسب خود فرا می‌خواند و از ایشان می‌خواهد با توجه به نسبتی که میان ایشان و پیامبر (ص) و امام علی (ع) برقرار است (پسر پیغمبر و پسر وصی و ابن عم او) هتک حرمت نکنند: «فَأَنْظُرُوا مِنِّي فَأَنْظُرُوا مِنْ أَنَا ثُمَّ رَاجِعُوا أَنْفُسَكُمْ وَ عَائِبُوهُمْ فَأَنْظُرُوا هَلْ يَصْلُحُ لَكُمْ قَتْلِي وَ انْتِهَاكَ حُرْمَتِي أَلَسْتُ ابْنَ نَبِيِّكُمْ وَ ابْنَ وَصِيِّهِ وَ ابْنَ عَمِّهِ وَ أَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ مُصَدِّقِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۰۶).

در نقلی دیگر ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهد که اگر در سخنان من شک دارید، آیا درباره اینکه من پسر دختر پیغمبر شما هستم نیز دچار تردید هستید؟ «ثُمَّ قَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَ فَإِنَّ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ هَذَا أَ فَتَشْكُونَ أَيُّ ابْنِ ابْنِ نَبِيِّكُمْ» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۰۸). کاریست عبارت «ابن بنت النبی (ص)» در دفاع از حقانیت امام و تکرار آن در این گونه نقل‌ها، حتی برای موارد غیر احتجاج که صرفاً می‌خواهد از من وجودی امام یاد شود، اهمیت استراتژیک این مفهوم و بار معنایی خاصی که مدنظر امام است و قصد دارد آن را به مخاطب منتقل کند را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد یک مفهوم و انگاره کلیدی و محوری است که در ادبیات سخن یاران امام نیز نفوذ دارد؛ برای نمونه در نقلی آمده است که امام فرمود اکنون اول وقت نماز است. از این مردم بخواهید دست از ما بردارند تا نماز بخوانیم. حصین بن نمیر گفت: این نماز قبول نیست. حبیب بن مظاهر در جوابش گفت: ای حبیب تو گمان می‌کنی نماز پسر پیامبر خدا قبول نمی‌شود و نماز تو قبول خواهد شد؟! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۲۱).

یا نقلی دیگر می‌گوید: زمانی که یکی از فضلاء تابعین سر مبارک امام حسین را در شام دید مدت یک ماه خویشتن را از نظر کلیه یاران خود مخفی کرد. وقتی او را یافتند و از سبب پنهان شدنش جويا شدند گفت: آیا نمی‌بینید چه مصیبتی دچار ما شده، سر پسر دختر محمد (ص) را

آوردند، گویا علناً و عمدتاً رسول خدا را کشته باشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۲۷۳). برخی نقل‌های ابومخنف بازتاب انگاره یاری دین خدا و پیامبر (ص) و در ارتباط با انگیزه حرکت امام از نگاه یزید (منازعه در مقام سلطنت) است. در این نقل‌ها یزید خطاب به امام سجاد (ع) می‌گوید: ای پسر حسین! چون پدرت با من قطع رحم کرد و حق مرا مراعات نکرد و با من درباره مقام سلطنت منازعه نمود، خدا این عملی را با تو انجام داد که دیدی: «يَا ابْنَ حُسَيْنِ أَبُوكَ قَطَعَ رَجْمِي وَ جَهْلَ حَيِّي وَ نَازَعَنِي سُلْطَانِي فَصَنَعَ اللَّهُ بِهٖ مَا قَدْ رَأَيْتَ» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۷۱).

گفتمان قداست شهادت نیز از برخی از نقل‌های ابومخنف قابل استنباط است، ایشان در یکجا به کلام حضرت زینب (س) اشاره می‌کند و در جای دیگر به سخن ام لقمان دختر عقیل بن ابی طالب استناد می‌ورزد. حضرت زینب (س) در مقام مواجهه با این سخن ابن زیاد در قصر دار الإمره «الحمد لله الذي فضحككم و اكذب احدوثكم» وی را متوجه قیامت می‌کند و می‌فرماید: پدر و برادران من شهید شدند و به خوابگاه خود رفتند. طولی نمی‌کشد که خدا تو و ایشان را در یک مکان جمع می‌کند و تو مورد محاجه و مخاصمه قرار خواهی گرفت. آن روز نظر کن و بنگر چه کسی فلج خواهد بود (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۶۲). ام لقمان نیز در مقام محاجه با مردم وقتی خبر شهید شدن امام را شنید گفت آن موقعی که پیغمبر خدا به شما بگوید شما که آخرین امت بودید با عترت و اهل بیت من چه کردید، چه خواهید گفت؟ «بعترتی و باهلی بعد مفتقدی، منهم اساری و قتلی ضرجوا بدم» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۷۳).

گفتمان تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا نیز در برخی از نقل‌های ابومخنف بازتاب دارد. امام در این گونه نقل‌ها به افراد توصیه می‌کند چیزی را برگزینند که از دنیا و آنچه در آن است، برایشان بهتر است و به سوی سلطنت و مقامی بروند که از دست نخواهد رفت: «فَقَالَ لَهُ رُحُّ إِلَىٰ مَا هُوَ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ إِلَىٰ مُلْكٍ لَا يَبْلَىٰ» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۳۵). تأکید امام در این نقل‌ها بر نشان دادن مسیر صحیح است و سعی دارد ماهیت دنیا را برای مردم آشکار سازد تا از درافتادن به مسیر اشتباه بازمانند. نقل‌های مربوط به گفتمان آزادگی و عزت خواهی نیز در این کتاب دیده می‌شود. امام پس از آن که به گروه مخالف یادآور می‌شود که به لحاظ انسانی، هیچ ظلمی در حق ایشان انجام نداده که دستاویزی برای انتقام باشد، فردی به نام قیس بن اشعث از ایشان می‌خواهد که تحت حکومت عموزادگانش درآید و امام نیز می‌فرماید: من نظیر شخص ذلیل، دست به دست شما نخواهم داد و مثل غلامان زر خرید برای شما اقرار نخواهم کرد: «وَ لَكِنْ أَنْزَلَ عَلَيَّ حُكْمَ بَنِي عَمِّكَ فَإِنَّهُمْ لَنْ يُزُوكَ إِلَّا مَا تُحِبُّ فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ ع لَا وَ اللَّهُ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَ لَا أُفَرُّ لَكُمْ إِفْرَارَ الْعَبِيدِ» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۰۹).

ابومخنف در نقل دیگری، سخن مشهور امام راجع به حرّ را بازگو می‌کند که ضمن آن وی را آزاد مرد نامید، همان طور که مادرش این نام را برای او نهاده بود: «انت الحرّ فی الدنیا، و انت الحرّ فی الآخرة» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۱۵). در نقل دیگری که در دوره‌های بعد به سبب تکرار، مشهور شده آمده است که امام بر آن گروه خونخوار فریاد زد و فرمود: وای بر شما، ای شیعیان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز محشر خائف نیستید پس در دنیای خود آزاد مرد باشید و به حسب و نسب خود مراجعه کنید، زیرا شما عرب هستید،^۱ ولی شمر در جواب آن حضرت گفت: چه می‌گوئی یا ابن فاطمه! «فَصَاحَ بِهِمْ وَيَجُكُّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ وَ ارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ» (ابومخنف، ۱۴۱۷، ص ۲۵۲). عبارت یا ابن فاطمه، به هدف انکار جایگاه امام حسین (ع) در اسلام بیان شده و پاسخ شمر که در واقع انکار آمیخته با آگاهی و معرفت است، نشان از عناد سران این جریان و انکار آگاهانه حق توسط ایشان دارد که پیشتر نیز به آن اشاره شد.

۲-۲. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده سوم هجری

کتاب بلاغات النساء اثر احمد بن ابی طاهر بن طیفور (م ۲۸۰ق) یکی از منابع تاریخی اهل سنت در این دوره است که در آن سخنان فصیح و بلیغ، اشعار و سخنان کوتاه زنان تاریخ اسلام در سه قرن نخست هجری نقل شده است. این کتاب از مصادر بحارالانوار و الغدیر نیز می‌باشد و علامه مجلسی، خطبه حضرت زهرا(س) و خطبه‌های زنان اهل بیت در کوفه و شام را از آن نقل نموده است. گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع)، از برخی منقولات این اثر قابل استخراج است؛ برای نمونه مولف در نقلی که بازتاب انگاره یاری دین خدا و پیامبر(ص) است و بیانگر انگیزه یزید از اقدام به مبارزه است، آورده که یزید به ابیات ابن زبیری استناد می‌کرد و با خوشحالی می‌گفت انگیزه او صرفاً انتقام خون بزرگان جنگ بدر از حسین (ع) بوده و این امام و یارانشان هستند که ظالم اند:

«لیت اشیایخی بیدر شهدوا جزع الخرج من وقع الاسل

^۱ منظور این عبارت در تقابل با اقوام دیگر است. به عنوان مثال حضرت زینب (س)، در خطبه خود خطاب به اهل کوفه می‌فرماید: خدا ما را بو سیله پیغمبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر بیشتر خلق روشنی و فضیلت و برتری عطا فرموده است ولی شما ما را تکذیب و تکفیر نمودید. کشتن ما و غارت کردن اموال ما را حلال دانستید، گویا: ما از فرزندان ترک یا کابل بودیم. ایشان در جای دیگری از خطبه می‌فرماید: شخصی از شما فخریه کرده و این شعر را گفته است: ما علی و فرزندان او را با شمشیرهای هندی و نیزه‌ها شهید کردیم و زنان آنان را مثل اسیران ترک اسیر کردیم و آنان را پایمال کردیم چه پایمال کردنی. ای گوینده این شعر! خاک و سنگریزه بر دهانت باد! تو بکشتن گروهی که خدا آنان را پاک و پاکیزه قرار داده و پلیدی را از ایشان بر طرف نموده افتخار میکنی؟! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، صص ۱۱۰-۱۱۱).

فأهلوا و استهلوا فرحا ثم قالوا يا يزيد لا تشل»

(ابن طیفور، بی تا، ص ۳۴).

انگاره فضایل امام در *بصائر الدرجات* صفار قمی (م ۲۹۰ ق) نیز قابل مشاهده است. در نقلی از این کتاب آمده که امام حسین (ع) خطاب به مردی کوفی، منزل رسول خدا در مدینه را مهبط وحی معرفی می‌کند و می‌فرماید نمی‌شود مردم از چشمه علم ما سیراب شوند و خود ما جاهل باشیم: «لَقِيَ رَجُلًا الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عِ بِالْمَدِينَةِ وَ هُوَ يُرِيدُ كَرْبَلَاءَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ ... لَوْ لَقَيْتُكَ بِالْمَدِينَةِ لَأَرَيْتُكَ أَتْرَجَبِيْلَ ع مِنْ دَارِنَا وَ نُزُولِهِ بِالْوَحْيِ عَلَى جَدِّي» (صفار قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۲).

گفتمان تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا از یکی از خطبه‌های حضرت زینب (س) که در کتاب *بلاغات النساء* بازتاب یافته قابل استخراج است؛ در این گزارش تاریخی حضرت زینب (س) خطاب به یزید می‌فرماید: فوق العاده مسروری از اینکه دنیا به تو رو کرده «فرحا حين رأيت الدنيا مستوسقة لك و الأمور متسقة عليك»؛ اما آرام باش، آیا قول خدای سبحان را فراموش کرده‌ای که می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّيهِمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ، إِنَّمَا نُمَلِّيهِمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (ابن طیفور، بی تا، ص ۳۵).

۲-۳. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده چهارم هجری

قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ ق) در کتاب *شرح الاخبار* نقل‌هایی دارد که بازتاب گفتمان دفاع از شخصیت حسین (ع) و انگاره‌های مرتبط با آنست. در این گزارش‌ها به انگاره یاری دین خدا و پیامبر (ص) و بیان انگیزه‌های سست و واهی مخالفان از جمله این که یزید انگیزه خود از رویارویی با امام را تکبر و ظلم ایشان معرفی می‌کند اشاره شده است «نفلق هاما من اناس اعزة، علينا و هم كانوا اعق و نظلم» (قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۵۸).

شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) نیز در *الأمالی* به نقلی اشاره دارد که ناظر به انگاره حسب و نسب است. در این نقل حضرت زینب (س) این واقعیت آشکار؛ یعنی انتساب به پیامبر (ص)، را که متأسفانه فراموش شده یا مورد انکار قرار گرفته، به مردم یادآوری می‌کند: «فَقَالَتْ زَيْنَبُ ع الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيراً إِنَّمَا يَفْضَحُ اللَّهُ الْفَاسِقَ وَ يُكَدِّبُ الْفَاجِرَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۶۵). قمی و طبری (هر دو اوایل قرن سه و اواخر قرن چهار) نیز نقل ابن طیفور در *بلاغات النساء* در خصوص انگاره یاری دین خدا و پیامبر (ص) که ناظر به انگیزه یزید از اقدام به مبارزه بود را ذکر نموده‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ص ۵۱۱). بیان فضائل امام گفتمان اعتقادی امام شناسی نیز در کتاب *اصول کافی* کلینی (م ۳۲۹ ق) با نقل صفار قمی بازتاب دارد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۲۶).

رد پای گفتمان تشخیص مسیر که با هم نشین اصلی خود یعنی گمراهی و ضلالت همراه شده، در برخی از نقل‌های ابن شعبه حرانی (معاصر شیخ صدوق) در *تحف العقول* قابل مشاهده است. امام در نقلی خطاب به مخالفان می‌فرماید: شما اکنون برای دشمنی با دوستان خود اجتماع کردید و دستی برای دشمنان خود شدید، بدون گناهی که ما نسبت به شما کرده باشیم. شما به علت سفاهت و گمراهی، بیعت ما را شکستید: «حَسَبْتُمْ عَلَيْنَا نَارًا افْتَدَخْنَاهَا عَلَىٰ عَدُوِّنَا وَ عَدُوِّكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ إِلَيْنَا لِقَاءَ عَلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ وَ يَدًا لِأَعْدَائِكُمْ بِغَيْرِ عَدَلٍ أَفْشَوْهُ فِيكُمْ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۰).

عبارت «دشمنی با دوستان خود» در این گزارش تاریخی، به روشنی گواه مسیر اشتباهی است که مخالفان برگزیده اند و امام نسبت به آن هشدار می‌دهد. همین گفتمان با محوریت انگاره قرآن از برخی از نقل‌های قاضی نعمان در شرح *الأخبار* نیز قابل استنباط است. در این نقل‌ها، یاران امام گروه مخالف را به‌عنوان افرادی معرفی می‌کنند که به دلیل ترک قرآن و دستورات آن، کورکورانه به راه پست می‌روند «نشکو إلى الله من العدوان، قتال قوم في الردی عمیان، قد ترکوا معالم القرآن، و محکم التنزیل و التبیان» (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰۳).

ابن شعبه حرانی نیز در کتاب *تحف العقول* به نقلی با همین موضوع اشاره دارد. در این نقل امام اهل کوفه را به این خاطر که قرآن را افسانه و بهتان خواندند و لذا آن را پشت سر انداختند و سنت‌های پیامبر خدا را تعطیل کردند مذمت می‌کند «سُحِقًا لَطَوَّاعِيْبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ بَقِيَّةِ الْأَحْزَابِ وَ نَبْدَةِ الْكِتَابِ وَ مُطْفِئِي السُّنَنِ وَ مُوَاحِيِ الْمُسْتَهْزِئِيْنَ الَّذِيْنَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِيْنًا» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۱).

روایات مربوط به گفتمان آزادگی و عزت خواهی به‌ویژه با نقل مشهور «هیئات منی الذله» در آثار ابن شعبه حرانی و مسعودی قابل مشاهده است. امام در تمامی این نقل‌ها بر نسب پاک و مطهر خویش تأکید می‌کند و از این که زیر بار پذیرش ذلت توسط زنانادگان لثیم برود خود را مبرا می‌داند «إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ تَرَكْنِي بَيْنَ السِّتْلَةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ لَهُ ذَلِكَ هَيْهَاتَ مِنِّي الدَّلَّةُ أَبِي اللَّهِ ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ جُدُودٌ طَهَّرَتْ وَ حُجُورٌ طَابَتْ أَنْ نُؤْتِرَ طَاعَةَ اللَّيَامِ عَلَىٰ مَصَارِعِ الْكِرَامِ» (مسعودی، ۱۴۲۶، ص ۱۶۶؛ حرانی، ۱۴۰۴، صص. ۵۸ و ۲۴۱).

۲-۴. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده پنجم هجری

گفتمان دفاع از شخصیت حسین (ع) و قداست حرکت ایشان، در برخی از روایات الارشاد شیخ مفید (م ۱۳ق) بازتاب دارد. ایشان در خصوص انگاره حسب و نسب به نقل‌های ابومخنف اشاره کرده است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، صص. ۹۷ و ۹۸).

انگاره یاری دین خدا و پیامبر(ص) نیز از دو نقل این کتاب برمی آید که ظاهراً یکی را از ابو مخنف (بیان انگیزه نهضت امام از نگاه یزید؛ منازعه در مقام سلطنت) (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۰) و دیگری را از قاضی نعمان (بیان انگیزه‌های سست و واهی مخالفان) اخذ نموده است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۱۹).

بیان مصداق امام یکی دیگر از انگاره های گفتمان یادشده است که در این اثر تبلور دارد. اشاره به دین علی و دین عثمان در این گونه نقل‌ها به نوعی اشاره به مصداق امامت دارد «انا هلال البجليّ - انا علی دین علی - و دینه دین النبی یعنی انا علی دین عثمان فقال له نافع أنت علی دین الشیطان فحمل علیه نافع فقتله» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۰۳) که توضیحات آن در بخش مربوط به تبیین گفتمان‌ها در ابتدای مقاله گذشت. از برخی از نقل‌های شیخ مفید گفتمان قداست شهادت نیز قابل استنباط است. ایشان به هر دو نقل ابومخنف در این باره استناد کرده است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، صص ۱۱۵ و ۱۲۴).

گفتمان تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا، گفتمان دیگری است که از تحلیل متنی برخی از منقولات شیخ مفید در *الإرشاد* قابل برداشت است. محور اصلی این نقل‌ها، اثبات بی‌ارزشی دنیا است؛ برای نمونه در یک جا امام سجاد(ع) به نقل از امام حسین(ع) می‌فرماید: یکی از موضوعاتی که بی‌ارزشی دنیا را ثابت می‌کند این است که سر مبارک یحیی بن زکریا به‌عنوان هدیه برای زنی از زنان بد عمل بنی اسرائیل فرستاده شد: «قَالَ يَوْمًا وَ مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ رَأْسَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا أُهْدِيَ إِلَيَّ مِنْ بَعَائِيَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۳۲). گفتمان آزادگی و عزت خواهی نیز با نقل ابومخنف راجع به شخصیت آزاده حرّ در کتاب شیخ مفید بازتاب یافته است (مفید، ۱۳۸۰، ص ۴۵۷). نقل بسیار پربسامد «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ» که برای نخستین بار در همین سده و در کتاب *نزهة الناظر حلوانی* آمده و در منابع بعدی تا قرن دهم هجری به تکرار از آن یاد شده، از گزارش‌های دیگری است که بیانگر گفتمان آزادگی و عزت خواهی است (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۸۸).

۲-۵. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده ششم هجری

در خصوص گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت ایشان، طبرسی (م ۵۴۸ ق) در کتاب *إعلام الوری* به نقل ابومخنف درباره انگاره یاری دین خدا و پیامبر(ص) اشاره کرده، این نقل بیانگر انگیزه نهضت امام از نگاه یزید (منازعه در مقام سلطنت) بود (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۷۴).

قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) نیز در کتاب *الخرائج و الجرائح* به گزارشی استناد کرده که مرتبط با انگاره یاری دین خدا و پیامبر (ص) است و پیوند وثیقی با مفهوم شهادت دارد: «وَإِنَّكَ تُسْتَشْهَدُ بِهَا وَ يُسْتَشْهَدُ مَعَكَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِكَ لَا يَجِدُونَ أَلَمًا» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۴۸).

در کتاب *المناقب ابن شهر آشوب* (م ۵۸۸ ق) نیز نقل‌های مرتبط با انگاره حسب و نسب از زبان امام سجاد (ع) خطاب به مخالفان که نسب مطهر خود را یادآور می‌شود، بازتاب دارد «أنا علي بن الحسين بن علي، من عصابة جد أبيهم النبي (ص)» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۹). وی هم‌چنین گزارش‌هایی دارد که می‌توان از آن‌ها انگاره ایمان به پیامبر (ص) را استخراج نمود؛ بیان ایمان حقیقی حضرت عباس ع به پیامبر (ص) که حاضر است حتی جان خود را نیز فدا کند «نفسی لنفس المصطفى الطهر وفا، إني أنا العباس أعدو بالسقا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۸) و در مقابل بیان ایمان ظاهری و تصنعی کسانی که زمانی به پیامبر (ص) درود می‌فرستادند؛ اما در واقعه عاشورا با فرزندانش جنگ و جدال نمودند (یصلی علی المبعوث من آل هاشم، و یغزی بنوه ان ذا لعجیب) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۲۵) از مظاهر تبلور انگاره مزبور است. نقل اخیر بر این نکته دلالت دارد که اگر ایمان آن‌ها نسبت به پیامبر (ص) یقینی بود هرگز نسبت به خاندان ایشان بی حرمتی نمی‌کردند.

ابن شهر آشوب در خصوص انگاره یاری دین خدا و پیامبر (ص) نیز به نقل قاضی نعمان و شیخ مفید که درباره انگیزه‌های واهی و سست مخالفان بود اشاره کرده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۴) و نقل دیگرش ناظر به همان قسمی است که پیوند با مفهوم شهادت دارد «أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، أَلَيْتُ أَنْ لَا أَنْتَنِي، أَحْمِي عِيَالَتِ أَبِي، أَمْضِي عَلَى دِينِ النَّبِيِّ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۰). گفتمان قداست شهادت نیز در کتاب *إعلام الوری طبرسی* با اشاره به نقل نخست ابومخنف (توجه دادن حضرت زینب (س) به آخرت) بازتاب دارد (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۷۱).

ابن شهر آشوب با بیان منقولات ابن شعبه حرانی در خصوص گفتمان تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۰) و هم‌چنین با استناد به نقل‌های فاقد مصدر متقدم از خود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۰)، این گفتمان را در اثر خود بازتاب داده است. وی نقل مربوط به حضرت یحیی را نیز در کتاب خود ذکر کرده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۸۵) و طبرسی هم در کتاب *أعلام الوری*، گزارش تاریخی شیخ مفید را نقل نموده است (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۹).

بازتاب گفتمان مزبور با محوریت انگاره قرآن نیز در آثار ابن شهر آشوب یک بار به نقل از قاضی نعمان مغربی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۶)، و بار دیگر به نقل از ابن شعبه حرّانی (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۱۰) و همچنین الاحتجاج طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۰) دیده می‌شود.

دو نقل مشهور و پربسامد ناظر به گفتمان آزادگی و عزت خواهی وجود دارد که البته تکرار دومی به اندازه نقل اول نیست «الموت خیرٌ من رکوب العار» و «هیئات منی الذله». ابن شهر آشوب با یادکرد از نقل نخست (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۶۸) و طبرسی با اشاره به نقل دوم، بازتاب‌دهنده این گفتمان هستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۰). ابن شهر آشوب هم‌چنین به نقل جناده بن حارث مبنی بر استقامت در راه دفاع از امام و پیراستگی از هر نوع سستی و پیمان‌شکنی، استناد کرده که این نقل‌ها ناظر به گفتمان اخلاقی بی‌وفایی و پیمان‌شکنی است «أنا جناد و أنا ابن الحارث، لست بجوار و لا بناکث، عن بیعتی حتی یرثنی وارث، الیوم شلوی فی الصعید ماکث» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۴).

۲-۶. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده هفتم هجری

روایات مربوط به گفتمان دفاع از شخصیت حسین (ع) و قداست حرکت ایشان، در تألیفات این قرن، ابتدا در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (م بعد از ۶۵۶ ق) دیده می‌شود. وی در کتاب خود به نقل قاضی نعمان در خصوص انگاره یاری دین خدا و پیامبر (ص) که انگیزه‌های سست مخالفان برای اقدام به مبارزه را مطرح کرده بود، پرداخته است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۶۰). سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) نیز در اللهوف گزارشی دارد که ناظر به انگاره حسب و نسب است. امام در سخنان خود پس از اشاره به عاملی که باعث غضب خداوند بر یهود، نصارا و مجوس شد، قوم مسلمان را بسیار تقبیح می‌کند که اتفاق بر کشتن پسر دختر پیغمبر، ایشان را در موقعیت غضب شدید خداوند نسبت به اقوام گذشته قرار خواهد داد «اَشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَی قَوْمٍ اتَّفَقَتْ کَلِمَتُهُمْ عَلَی قَتْلِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِمْ» (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۰۱).

اربلی نیز (م ۶۹۲ ق) در کشف الغمه، به نقل نخست ابومخنف در خصوص انگاره حسب و نسب اشاره کرده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۳). انگاره ایمان به پیامبر (ص) در هر دو کتاب سید بن طاووس بازتاب دارد. ایشان همان نقل ابن شهر آشوب در خصوص ایمان غیریقینی امت به پیامبر (ص) و تاثیر آن در بی حرمتی نسبت به ذریه ایشان را نقل نموده است (ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۴۳؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۷۶).

انگاره بیان فضائل نیز در کتاب *اللّهوف* سیدبن طاوس بازتاب دارد. در این نقل عبد الله بن عقیف ازدی، از نیکان و زهاد شیعه، پس از آن که جسارت ابن زیاد نسبت به خاندان امام را آن هنگام که می‌گوید: سپاس خدای را که حق را ظاهر نمود؛ امیر المؤمنین یعنی یزید و پیروان او را یاری کرد و کذاب پسر کذاب یعنی امام حسین را کشت!، مشاهده می‌کند خطاب به وی گفت کذاب پسر کذاب تو و پدرت و آن کسی که تو را گماشته است هستید. تو آن ذریه پاکی را بقتل می‌رسانی که خدا پلیدی را از آنان دور نموده و با این حال گمان می‌کنی در دین اسلام هستی؟! «يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَتَقْتُلُ الذَّرِيَّةَ الطَّاهِرَةَ الَّتِي قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهَا الرَّجْسَ وَ تَزْعُمُ أَنَّكَ عَلَى دِينِ الْإِسْلَامِ». عبارت «قد اذهب الله عنها الرجس» ناظر به بیان فضیلتی است که در آیه تطهیر آمده است (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۶۵).

سید بن طاوس در نقل طولانی دیگر بیان می‌کند که پیرمردی نزد زنان و عیال امام حسین (ع) که بر در مسجد ایستاده بودند آمد و خطاب به امام سجاد (ع) گفت: سپاس مخصوص آن خدائی است که شما را کشت و هلاک کرد و شهرها را از دست مردان شما راحت و یزید را بر شما مسلط نمود. امام سجاد (ع)، در مقام روشنگری و رفع ابهام ذهنی پیرمرد به آیاتی از قرآن هم چون آیه مودت (شوری: ۳۳)، خمس (احزاب: ۳۳) و تطهیر (انفال: ۴۱) استناد می‌کند و می‌فرماید این آیات در شأن ما اهل بیت (ع) نازل شده، سپس پیرمرد ساکت و از گفته خود نادم می‌شود و از خداوند طلب توبه می‌کند. وقتی این موضوع به گوش یزید رسید دستور داد وی را شهید کردند (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۷۶).

انگاره فضایل امام با نقل مشهور «انتما سیدا شباب اهل الجنة» از زبان پیامبر (ص) درباره حسنین در کتاب *مشیر الاحزان* ابن نما حلی (م ۶۸۰ق) نیز به چشم می‌خورد: «قَالَ وَيْحَكَ يَا يَزِيدُ أَتَنْكُثُ بِقَضِيَّتِكَ ثَعْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ فَاطِمَةَ أَشْهَدُ لَقَدْ رَأَيْتُ النَّبِيَّ يَرْشِفُ ثُنَائِيَهُ وَ ثُنَائِيَا أَحِبِّهِ الْحُسَيْنِ وَ يَقُولُ أَنْتُمْ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۰). نقل‌های مرتبط با گفتمان قداست شهادت، در کتاب *اللّهوف* به تعدد گزارش شده است. این نقل‌ها از زبان حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) است که سعی دارند مخالفان را به مسئله معاد و آخرت توجه دهند و یادآور شوند که ایشان نیز به زودی به نیاکانشان خواهند پیوست و برای همیشه در این دنیا جاودانه نخواهند ماند. در آن روز است که حق آشکار می‌شود و معلوم خواهد شد که کدام طرف دارای بدترین جایگاه و ضعیفترین لشکر بوده است «وَ تَهْتَفُ بِأَشْيَاخِكَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُنَادِيهِمْ فَلْتَرِدَنَّ وَشِيكاً مُؤَرِّدَهُمْ وَ لَتَوَدََّنَّ أَنَّكَ سَلَلْتَ وَ بَكِمْتَ وَ لَمْ تُكُنْ فُلْتَ مَا قُلْتَ وَ فَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ» (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۸۴).

در نقل دیگری، امام سجاده(ع) جایگاه ابدی خطیبی که در حق معاویه و یزید مبالغه کرد را پر از آتش معرفی می‌کند: «فصاح به عليُّ بنُ الحسينِ عَ وَيْلَكَ أَيُّهَا الخاطِبُ اشترَيْتَ مَرَضَةَ المَخْلُوقِ بِسَخَطِ الخَالِقِ فَنَبَوُا مُفْعَدَكَ مِنَ النَّارِ» (ابن طاوس، ۱۳۴۸، صص. ۱۸۸ و ۱۷۸). ابن نما حلی (م ۶۸۰ق) و اربلی (م ۶۹۲ق) نیز به نقل نخست ابومخنف در این موضوع (هشدار حضرت زینب(س)) اشاره کرده‌اند (ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۹۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۴). ابن نما نقل دوم سیدبن طاوس که شامل توجه دادن امام سجاده(ع) به موضوع آخرت و قداست شهادت است را نیز در کتاب خود آورده است (ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۲).

نقل‌های مربوط به گفتمان تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا در منابع این سده نیز به چشم می‌خورد؛ برای نمونه ورام (م ۶۰۵ق) در مجموعه خود نقل شیخ مفید در موضوع داستان حضرت یحیی(ع) را ذکر کرده است (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۶). انگاره مزبور به همان صورت که در تحف العقول ابن شعبه حرانی گزارش شده بود، در مثير الاحزان ابن نما (ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۵۴)، اللهوف سید بن طاوس (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۹۶) و كشف الغممه اربلی نیز آمده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹). افزون بر این، سید بن طاوس گزارش ابومخنف با محوریت انگاره دنیا را در کتاب خود نقل نموده است (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۱۰). گفتمان مورد بحث با محوریت انگاره قرآن در مثير الاحزان ابن نما حلی نیز مشاهده می‌شود. ایشان به نقل ابن شعبه حرانی در این خصوص استناد کرده است (ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۵۴).

گفتمان آزادگی و عزت خواهی با گزارش‌های ابومخنف راجع به شخصیت آزاده حرّ (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۰۴) و درخواست امام از مخالفان مبنی بر این که اگر دین ندارید، آزاده باشید در کتاب اللهوف بازتاب دارد (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۲۰). شامی نیز در کتاب الدرالنظیم به نقل ابومخنف در خصوص این گفتمان اشاره کرده است (شامی، ۱۴۲۰، ص ۵۵۳).

گفتمان مزبور با نقل مشهور و پربسامد «الموت خیرٌ من ركوب العار»، در منابع این سده خود را به وضوح نشان می‌دهد؛ به طوری که بیشترین اشاره به این نقل توسط محدثان و مورخان همین سده یعنی هفتم هجری صورت گرفته است (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۱۱۹؛ ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۷۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۳۷؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۲). البته ابن نما حلی و سید بن طاوس به نقل «هیاهات منی الذله» نیز اشاره دارند (ابن نما حلی، ۱۴۰۶، ص ۵۵؛ ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۹۷).

گفتمان اخلاقی بی‌وفایی و پیمان‌شکنی نیز از برخی از نقل‌های سید بن طاوس قابل استنباط است. امام در گزارشی، بی‌وفائی و پیمان‌شکنی را خصیصه معروف کوفیان معرفی می‌کند: «وَ اللهُ الخُدَلُ فیکُمْ مَعْرُوفٌ نَبَتَتْ عَلَیْهِ اَصُولُکُمْ وَ تَأَزَّرَتْ عَلَیْهِ عُرُوفُکُمْ فَکُنْتُمْ أَحَبَّتْ شَجَرٍ لِلنَّاطِرِ وَ أَكَلَتْهُ

لِلْعَاصِبِ - أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ النَّاكِثِينَ الَّذِينَ يَنْفُضُونَ الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَ قَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا» (ابن طاوس، ۱۳۴۸، ص ۹۷).

۲-۷. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده نهم هجری

نقل‌های گفتمانی در منابع سده نهم هجری بازتاب بسیار ضعیفی دارد. تنها در کتاب مختصر البصائر حسن بن سلیمان حلی (م ۸۰۲ به بعد) نقل‌هایی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت ایشان را با موضوع یاری دین خدا و پیامبر(ص) استنباط نمود. این نقل‌ها از قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) و به گونه‌ای است که پیوند وثیقی با مفهوم شهادت دارد (حسن بن سلیمان حلی، ۱۴۲۱، ص ۱۳۹). گفتمان آزادگی و عزت خواهی نیز با نقل مشهور «الموت خیرٌ من ركوب العار» توسط دیلمی (م ۸۴۱ق) در کتاب *أعلام الدین* بازتاب یافته است (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۸).

۲-۸. گفتمان‌های عاشورا در منابع حدیثی سده دهم هجری

یکی از منابع تاریخی - حدیثی مهم این سده، *مقتل الحسین* محمد بن ابی طالب (م سده ۱۰ هجری) است که حاوی نقل‌های تاریخی متعدد برگرفته از منابع پیشین است، هرچند برخی از نقل‌های این کتاب نیز فاقد مصدر متقدم است. انگاره حسب و نسب زیرمجموعه گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع)، در برخی از نقل‌های این اثر انعکاس دارد؛ برخی نقل‌های این موضوع از جمله گزارش‌های منقول از ابومخنف: «لَا تَقْتُلُونِي فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَكُمْ قَتْلِي وَ لَا أَنْتَهَاكُ حُرْمَتِي فَإِنِّي ابْنُ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ وَ جَدِّي حَدِيثُهُ زَوْجَةُ نَبِيِّكُمْ» مصدر متقدم دارد (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۴)، برخی نیز اینگونه نیست (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۸۳).

گزارش‌های مرتبط با انگاره ایمان به پیامبر(ص) نیز در این اثر دیده می‌شود. در نقلی از این کتاب امام خطاب به لشکر ابن سعد می‌فرماید: شما (به گمان خود) اقرار به طاعت کردید و به حضرت محمد(ص) ایمان آوردید، سپس پشت به ذریه و عترت پیامبر خود نمودید و می‌خواهید آن‌ها را شهید نمایید (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۶۷). وی هم‌چنین به نقل ابن شهر آشوب مبنی بر ایمان یقینی حضرت عباس(ع) به پیامبر(ص) (جان من به فدای جان مصطفی) اشاره کرده است (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۴). از دلالت نقل اول، ایمان غیر یقینی و سطحی مخالفان برداشت می‌شود، برخلاف نقل دوم که ایمان راسخ و یقینی حضرت عباس را به تصویر کشیده است.

گفتمان قداست شهادت و مبارزه با ظلم و انحراف، به همان صورتی که ابومنخف نقل کرده (هشدار حضرت زینب(س)) در این اثر بازتاب دارد (حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۶۳). مولف به نقل دیگری نیز در این خصوص استناد کرده که فاقد مصدر متقدم است. در این نقل حضرت سجاد(ع) به یزید می‌فرماید: ای یزید مژده باد تو را به رسوائی و پشیمانی در روز قیامت که همه مردم اجتماع خواهند کرد «فَأَبْشِرْ بِالْحُزْرِ وَ النَّدَامَةِ عَدَا إِذَا جُمِعَ النَّاسُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۸۷).

گفتمان تشخیص مسیر با محوریت انگاره دنیا از چندین نقل محمد بن ابی طالب که فاقد مصدر متقدم است قابل استنباط می‌باشد. در این نقل‌ها می‌بینیم که امام همواره در تلاش است تا تصویر حقیقی دنیا را بنمایاند و به مخالفان بفهماند دنیا آن طور که در ذهن و تصور آن‌هاست، با ایشان همراه نمی‌شود و به آن‌ها وفادار نمی‌ماند و پس از کشتن امام روی خوش در دنیا و آخرت نخواهند دید: «فَقَالَ يَا عُمَرُ أَنْتَ تَقْتُلُنِي تَرْعُمُ أَنْ يُؤَلِّكَ الدَّعِيُّ ابْنُ الدَّعِيِّ (عبید الله بن زیاد بن ابیه) بِلَادِ الرَّيِّ وَ جُرْجَانَ وَ اللَّهِ لَا تَتَهَنَّا بِذَلِكَ أَبَدًا عَهْدًا مَعْهُودًا فَاصْنَعْ مَا أَنْتَ صَانِعٌ فَإِنَّكَ لَا تَفْرُحُ بَعْدِي بِدُنْيَا وَ لَا آخِرَةٍ» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۸). تأکید امام بر این که بعد از کشتن من خوشی نخواهند دید، دقیقاً به این حقیقت اشاره دارد که به خاطر اعتماد صرف به دنیا، مسیر را اشتباه گزیده اند و مقصدی را نشانه گرفته‌اند که به هدف نخواهد رسید.

در گزارش دیگری از این کتاب که مضمون آن، همان نقل بدون مصدر متقدم ابن شهر آشوب است، امام به زوال پذیر بودن دنیا و خصیصه فریب دهندگی آن اشاره می‌کند «الحمد لله الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ، وَ مَتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ، فَالْمَغْرُورُ مِنْ غَرَّتِهِ، وَ الشَّقِيَّ مِنْ فَتْنَتِهِ، فَلَا تَعْرَتِكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۷۳). در همین سده ابن ابی جمهور أحسایی (زنده در ۹۰۴ق) در کتاب *عوالی اللئالی* نیز، نقل شیخ مفید در خصوص انگاره دنیا (اشاره به داستان حضرت یحیی(ع)) را گزارش نموده است (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۸۱).

گفتمان آزادگی و عزت خواهی، گفتمان دیگری است که مورد توجه محمد بن ابی طالب بوده است. وی در این خصوص به گزارش‌های سید بن طاوس درباره ویژگی اخلاقی حرّ (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۸۲) و گزارش مشهور و پربسامد حلوانی «الموت خیر من ركوب العار» اشاره دارد (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۱۸). نقل دیگر وی که فاقد مصدر متقدم است، اشاره به شخصیت آزاده امام و تن به ذلت ندادن ایشان دارد «يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ الْعَبِيدُ بَعْدَ الْيَوْمِ قَتَلْتُمْ ابْنَ فَاطِمَةَ وَ أَمَرْتُمْ ابْنَ مَرْجَانَةَ حَتَّى يَقْتُلَ خِيَارَكُمْ وَ يَسْتَعْبِدَ أَشْرَارَكُمْ رَضِيْتُمْ بِالذُّلِّ فَبَعْدًا لِمَنْ

رضی) (حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۶۶). میبدی (م ۹۱۱ق) نیز در کتاب دیوان امیرالمومنین (ع) نقل مشهور «الموت خیر من رکوب العار» را گزارش نموده است (میبدی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۴).

نتایج تحقیق

بر مبنای آنچه گذشت، یافته های این پژوهش از این قرار است:

۱- گفتمان دفاع از شخصیت حسین(ع) و قداست حرکت ایشان بازتاب گسترده ای در میان روایات عاشورا و منابع حدیثی پس از آن دارد. این گفتمان و انگاره های مرتبط با آن تقریباً در تمام منابع سده دوم به بعد انعکاس پیدا کرده است. انگاره حسب و نسب در منابع سده دوم، هفتم و دهم در قالب نقل هایی آمده که بر عبارت «ابن بنت نبی» بودن امام تأکید دارد؛ اما منابع سده چهارم، پنجم و ششم، بیشتر نقل هایی را گزارش کرده اند که ضمن آن امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) نسب خود به پیامبر(ص) را یادآوری نموده اند. اثری از این انگاره در منابع سده سوم و نهم هجری نیست. انگاره یاری دین خدا و پیامبر(ص) با نقل هایی که عمدتاً به تبیین انگیزه های نهضت پرداخته، به ویژه تأکید بر سخن یزید که انگیزه امام را منازعه در مقام سلطنت می دانست، در منابع سده دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم دیده می شود. نقل هایی که بازتاب انگاره ایمان به پیامبر(ص) و نقشی که در حفظ حرمت ذریه ایشان دارد، برای نخستین بار^۱ در منابع سده ششم به چشم می خورد و پس از آن در نقل های مربوط به سده هفتم و دهم نیز دیده می شود. نقل مربوط به مصداق امام در برخی از نقل های سده پنجم قابل مشاهده است. بیان فضائل امام، در گزارش های مربوط به سده های سوم، چهارم و هفتم وجود دارد. منابع سده هفتم در مقایسه با سایر منابع، بسیار به این مقوله اهمیت داده اند و نقل مشهور «انتما سیدا شباب اهل الجنة» برای نخستین بار در همین سده مورد اشاره واقع شده است.

۲- گفتمان قداست شهادت و لزوم مبارزه با ظلم و انحراف، بیشتر با ذکر نقل هایی که مخاطب را به حضور اخروی نزد پیامبر(ص) و بازخواست ایشان توجه می دهد و هم چنین نقل مربوط به حضرت یحیی(ع)، در گزارش های مربوط به سده های دوم، پنجم، ششم، هفتم و دهم انعکاس دارد؛ اما در سده سوم، چهارم و نهم اثری از آن یافت نشد.

۳- گفتمان تشخیص مسیر با تبیین انگاره دنیا و تأکید بر ماهیت پست و بی ارزش آن و تأثیری که در گزینش ناصحیح مسیر و ضلالت و گمراهی انسان دارد در نقل های سده دوم، سوم،

^۱. البته بر اساس فحص نگارنده که سعی کرده عمده منابع در این حوزه را جست و جو کند. بر این اساس احتمال قوی دیگر بر اساس فحص و جست و جوی بیشتر منتفی نیست.

چهارم، پنجم، ششم، هفتم و دهم هجری دیده می‌شود. نقل‌هایی که اشاره به انگاره قرآن و تاثیر پای بندی به آن در تقویت عقلانیت و دوری از تبعیت‌های کورکورانه دارد، در منابع سده دوم، سوم و پنجم یافت نشد؛ اما در برخی از نقل‌های سده چهارم، ششم و هفتم ردپای آن‌ها قابل مشاهده است.

۴- گفتمان آزادگی و عزت خواهی با دو نقل مشهور «أنت الحرّ فی الدنیا و أنت الحرّ فی الآخرة» و «إن لم یکن لکم دینٌ فکونوا أحراراً فی دنیاکم» در منابع سده دوم بازتاب دارد، هرچند در منابع سده سوم هیچ اثری از این گفتمان دیده نمی‌شود. در سده‌های چهارم و ششم بازتاب این گفتمان را با نقل مشهور دیگر یعنی «هیئات منی الذله» می‌بینیم. در سده پنجم همان نقل مربوط به حرّ دیده می‌شود؛ اما گزارش بسیار مهم و مشهور دیگری نیز وجود دارد «المؤثّ حَیْرٌ مِنْ رُكُوبِ العار» که توسط مؤلفان منابع بعدی از جمله منابع سده ششم، هفتم، نهم و دهم به کرات مورد استناد قرار گرفته است. بیشترین استناد به گزارش اخیر توسط منابع هفتم صورت پذیرفته است.

۵- نقل‌های مربوط به گفتمان بی‌وفایی و پیمان‌شکنی فقط در نقل‌های سده ششم و هفتم به چشم می‌خورد و پیش و پس از آن اثری از این موضوع نیست.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبّه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللتالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران: نشر کتابچی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ش)، مناقب آل ابی طالب ع، قم: نشر علامه.

- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ ش)، *اللهورف علی قتلی الطفوف*، مترجم: فهري زنجانی، احمد، تهران: نشر جهان.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶ ش)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر (بی تا)، *بلاغات النساء*، قم: الشریف الرضی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ ش)، *کامل الزیارات*، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، نجف اشرف: دار المرتضویة.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ ق)، *مثیر الأحزان*، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم: مدرسه امام مهدی.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ ق)، *وقعة الطف*، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی، قم: جامعه مدرسین.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ش)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تبریز: نشر بنی هاشمی.
- بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (۱۴۱۳ ق)، *عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال*، محقق / مصحح: موحد ابطحي اصفهانی، محمد باقر، قم: مؤسسه الإمام المهدي عج.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ ش)، *البرهان فی تفهیر القرآن*، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه بعثة.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۳ ق)، *مدینه معجز الأئمة الإثني عشر*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۰۴ ق)، *النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ ق)، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- حسینی موسوی، محمد بن أبی طالب (۱۴۱۸ ق)، *تسلية المجالس و زینة المجالس* (مقتل الحسين عليه السلام)، محقق / مصحح: حسون، کریم فارس، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- حلوانی، حسین (۱۴۰۸ ق)، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، محقق / مصحح: مدرسه الإمام المهدي، قم: مدرسه الإمام المهدي عج.

- حلی، حسن بن سلیمان بن محمد (۱۴۲۱ق)، *مختصر البصائر*، محقق / مصحح: مظفر، مشتاق، قم: ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خانی، حامد (فرهنگ مهروش) (۱۳۹۸ش)، *قرآن پژوهی و تاریخ اندکاره‌ها* (مجموعه مقالات)، استهبان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- دیلمی، حسن (۱۴۰۸ق)، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت ع.
- راد، علی؛ قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۹۰ش)، «بررسی دو نظریه درباره وارثان برگزیده قرآن با تأکید بر احادیث امامیه»، *فصلنامه علوم حدیث*، سال ۱۶، شماره ۶۱.
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، *الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم*، قم: جامعه مدرسین.
- صالحی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰ش)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو، روش‌های تحقیق کیفی»، *معرفت فرهنگی - اجتماعی*، سال ۲، شماره ۳.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ص*، محقق / مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، محقق / مصحح: خرسان، محمد باقر، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت، قم: آل البيت.
- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، *الم ستر شد فی إمامه علی بن أبی طالب ع*، محقق / مصحح: محمودی، احمد، قم: نشر کوشانپور.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۰)، «زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی شکل‌گیری نهضت عاشورا»، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، شماره ۲.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم: انتشارات رضی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۱ش)، *نوادیر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین*، محقق / مصحح: انصاری قمی، مهدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، *الواقی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، محقق / مصحح: اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر.

- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الجرائح*، محقق / مصحح: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی عج.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، *سُئِنَةُ الْبَحَارِ*، قم: بی نا.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، قم: دار الکتب. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان (۱۳۸۴ش)، *الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول*، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث، مشهد: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *کافی*، محقق / مصحح: دارالحديث، قم: نشر دار الحديث.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، محقق / مصحح: شعرانی، ابوالحسن، تهران: المکتبه الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۴ش)، *زندگانی حضرت امام حسین ع* (ترجمه جلد ۴۵ بحار الأنوار)، مترجم: نجفی، محمد جواد، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، *اثبات الوصیة*، قم: نشر انصاریان.
- مظفر نجفی، محمد حسن (۱۴۲۲ق)، *دلائل الصدق لنهج الحق*، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید.
- مبیدی، حسین (۱۴۱۱ق)، *دیوان أمير المؤمنين علیه السلام*، مترجم: زمانی، مصطفی، محقق / مصحح: زمانی، مصطفی، قم: دار نداء الإسلام للنشر.
- نصراوی، محمد (۱۳۹۴ش)، «درآمدی بر گفتمان کاوی تاریخی، مطالعه موردی خطبه حضرت زینب س در شام»، *صحیفه مبین*، سال ۲۱، شماره ۵۷.
- ورام بن ابی فراس، مسعود (۱۴۱۰ق)، *مجموعه ورام*، قم: مکتبه فقیه.
- ولایتی کبایان، مریم (۱۳۹۹ش)، *گفتمان‌های تفسیری شیعه در کوفه*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة* (خوئی)، مترجم: حسن زاده آملی، حسن و کمره ای، محمد باقر، محقق/ مصحح: میانجی، ابراهیم، تهران: مکتبه اسلامیة. یزدی حایری، علی (۱۴۲۲ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب*، محقق/ مصحح: عاشور، علی، بیروت: مؤسسه الأعلمی.

Bibliography:

The Holy Quran.

Abu Mekhnaf Kufi, Lut Ibn Yahya (1417 AH); Waqat al-Taf, researcher/corrector: Yousefi Gharavi, Mohammad Hadi, Qom: Jamia Modarresin.

Bahrani Isfahani, Abdullah Ibn Nurullah (1413 AH); Avalem al-Uloom wa al-ma'arif wa ahwal min al-ayat wa al-akhbar wa al-aqwal, scholar/corrector: Mohd Abtahi Esfahani, Mohammad Baqir, Qom: Moassesat Imam Al-Mahdi Aj.

Bahrani, Hashem Ibn Suleiman (1374 SH); Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an, researcher/corrector: Department of Islamic Studies, Al-Baath Institute, Qom: Moassesat Al-Beathah.

Bahrani, Hashem Ibn Suleiman (1413 AH); Madinat Mo'ajez Al-Aemmah Al-Esna Ashar, Qom: Moassesah Almaaref Al-Islamiah.

Deilami, Hasan (1408 AH); Aalam al-Din fi Sifat al-Mu'minin, researcher/corrector: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, Qom: Moassesat Al-alBayt.

Erbali, Ali Ibn Isa (1381 SH); Kashf Al-Ghomma fi Maarefat Alaemmah, researcher/corrector: Rasouli Mahalati, Seyyed Hashem, Tabriz: Nashre Bani Hashemi.

Eyvazi, Mohammad Rahim (1390SH), "Zaminehaye Tarikhi, Ejtemaie, Siasi Sheklgiri Nehzate Ashura", Tarikhnameh Iran Baad az Islam, number 2.

Fattal Neishabouri, Muhammad Ibn Ahmad (1375 SH); Rowzat al-Wa'ezin va Basirat al-Muttaezin, Qom: Enteshrate Razi.

Feiz Kashani, Mohammad Mohsen (1371 SH); Nawader al-Akhbar fima yataallagh beosul Aldin (Lelfeiz), researcher/corrector: Ansari Qomi, Mahdi, Tehran: Moasseseh Motaleat Va Tahghighat Farhangi.

Feiz Kashani, Mohammad Mohsen (1406 AH); Al-wafi, Isfahan: Ketabkhaneh Amir al- Mominin (AS).

Feiz Kashani, Mohammad Mohsen (1415 AH); Tafsir al-Safi, researcher/corrector: Alami, Hossein, Tehran: Maktabat Al-Sadr.

Hashemi Khoie, Mirza Habibullah (1400 AH); Minhaj al-Bera'a fi Sharh Nahj al-Balaghah (Khoie), translator: Hassanzadeh Amoli, Hassan and

- Kamreai, Mohammad Baqer, researcher/corrector: Mianji, Ibrahim, Tehran: Maktabat Al-Islamiah.
- Helli, Hassan Ibn Suleiman Ibn Muhammad (1421 AH); Mokhtasar Al-Basaer, researcher/corrector: Mozaffar, Mushtaq, Qom: Publisher: Est.
- Hosseini Mousavi, Muhammad Ibn Abi Talib (1418 AH); Tasliyya al-Mujales va Zeena al-Majales (maghtal al-Hussein, peace be upon him), researcher/corrector: Hassoun, Karim Fars, Qom: Moassesat Al-Maarif Al Islamiah.
- Hulwani, Hossein (1408 AH); Nozhat al-Nazir va Tanbih al-Khater, researcher/corrector: Al-Imam Al-Mahdi School, Qom: Madrasat Al-Imam Al-Mahdi.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid ibn Hibat Allah (1404 AH). Sharhe Nahj al-Balaghah leIbn Abi al-Hayid, researcher/corrector: Ibrahim, Muhammad Abulfazl, Qom: Maktabat Ayatollah al-Marashi al-Najafi.
- Ibn Abi Jumur, Muhammad bin Zain al-Din (1405 AH); Awali Al-Leali al-Aziziya fi al-Ahadith al-Diniya, researcher/corrector: Iraqi, Mojtaba, Qom: Dar Seyyed al-Shohada lennashr.
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1376 SH); Al-Amali, Tehran: Nashr Ketabchi.
- Ibn Hayyun, Noman bin Muhammad Maghribi (1409 AH); Sharh al-Akhbar fi Fazael al-Aemeh al-Athar (a.s.), scholar/corrector: Hosseini Jalali, Mohammad Hossein, Qom: Jamia Modarresin.
- Ibn Nama Helli, Jafar Ibn Muhammad (1406 AH); Saxih Al-Ahzan, researcher/corrector: Imam Mahdi School, Qom: Madrasah Imam Mahdi.
- Ibn Qolawayh, Jafar Ibn Muhammad (1356 AH); Kamel al-Ziyarat, researcher/corrector: Amini, Abdul Hossein, Najaf Ashraf: Dar al-Mortazawiyah.
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad Bin Ali (1379 SH), Manaqib Al-Abi Talib (AS), Qom: Nashre Allameh.
- Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali (1404 AH); Tahf al-Aqool, scholar/corrector: Ghaffari, Ali Akbar, Qom: Jamia Modarresin.
- Ibn Tavus, Ali Ibn Musa (1348 AH); Allohouf Ala Qatlayi al-Tofouf, translator: Fahri Zanjani, Ahmed, Tehran: Nashre Jahan.
- Ibn Tavus, Ali Ibn Musa (1376 SH); Al-Iqbal Bel-Amaal al-Hasana, researcher/corrector: Qayyumi Esfahani, Javad, Qom: Daftare Tablighat Islami.
- Ibn Tifur, Ahmad Ibn Abi Tahir (n.d.); Balaghat al-Nisa, Qom: Al-Sharif al-Razi.
- Jazayari, Nematullah Ibn Abdullah (1404 AH); Al-Noor al-Mubin fi Ghesas Alanbia Va Almorsalin, Qom: Maktabat Ayatollah al-Marashi al-Najafi.

- Jazayari, Nematullah Ibn Abdullah (1427 AH); Riyaz al-Abrar fi Manaqib al-Aemmah al-Athar, Beirut: Est.
- Kabir Madani Shirazi, Seyyed Ali Khan (1384 SH); al-taraz al-Avval va al-Kanaz Lema Alayh Min loghat al-Arab al-Moawwal, researcher/corrector: Al-Bayt Institute for the Revival of Tradition, Mashhad: Moassesah Al-alBayt le Ehyae al-torath.
- Khani, Hamed (Mehrvash Farhang) (1398 SH); Qur'an Pazuhī va Tarikh Engareha (collection of articles), Estahban: Entesharat Daneshgah Azad Islami.
- Koleini, Muhammad Ibn Yaqoob (1429 AH); Kafi, researcher/corrector: Dar al-Hadith, Qom: Nashr Dar al-Hadith.
- Majlisi, Mohammad Baqer (1364 SH); Zendegani Hazrat Imam Hussain (translation of volume 45 of Bihar al-Anwar), translator: Najafi, Mohammad Javad, Tehran: Islamia.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1403 AH); Bihar al-Anwar al-Jamia ledorar Akhbar al-Aemmat al-Athar, researcher/corrector: a group of researchers, Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1404 AH); Merat al-uqool fi Sharh Akhbar Al-Al-Rasoul, researcher/corrector: Rasouli Mahalati, Seyed Hashem, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Masoudi, Ali Ibn Hossein (1426 AH); Esbat al-Wasiyyah, Qom: Nashr Ansarian.
- Mazandarani, Muhammad Saleh (1382 AH); Sharh al-Kafi - AlUsul va al-Ruzah, researcher/corrector: Shaarani, Abolhasan, Tehran: Al-maktabat Al-Islamiah.
- Meybodi, Hosein (1411 AH); Diwan Amir al-Mu'minin, peace be upon him, translator: Zamani, Mustafa, researcher/corrector: Zamani, Mustafa, Qom: Dar Neda al-Islam Lenashr.
- Mofid, Muhammad Ibn Muhammad (1413 AH); Al-Irshad fi Maarefat Hojaje Allah Ala Al-Ebad, researcher/corrector: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, Qom: Kongere Sheykh Mufid.
- Muzaffar Najafi, Muhammad Hasan (1422 AH); Dalael al-Sedq le Nahj al-Haq, researcher/corrector: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, Qom: Moassesah Al-Bayt.
- Nasravi, Mohammad (1394 SH), "Daramadi Bar Ghoftemankavi Tarikhi, Motale moredi khotbe Hazrat Zainab Dar Sham", Sahifa Mobin, year 21, number 57.
- Qomi, Abbas (1414 AH); Safinat Al-Behar, Qom: Bina.
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1404 AH); Tafsir al-Qami, researcher/corrector: Mousavi Jazayari, Tayyib, Qom: Dar al-Kitab.

- Qutb al-Din Ravandi, Saeed Ibn Hibatullah (1409 AH); Al-Kharaij Va Al-Jaraih, researcher/corrector: Imam Mahdi Institute, peace be upon him, Qom: Moassesah Imam Mahdi AJ.
- Rad, Ali; Ghazizadeh, Kazem (1390SH); "Barresi du nazarieh darbarez varesane bargozideh Qur'an" (with an emphasis on Imamiyyah hadiths), Olume Hadith, year 16, number 61.
- Saffar, Muhammad Ibn Hasan (1404 AH); Basa'ir al-Darajat fi Faza'el Al-Muhammad p.a., researcher/corrector: Kuche Baghi, Mohsen bin Abbas Ali, Qom: Maktabat Ayatollah al-Marashi al-Najafi.
- Salehizadeh, Abdul Hadi (1390SH), "Daramadi bar Tahlil Gofteman Michel Focu, Raveshhaye Tahghighe Keifi", Maarefate Farhangi - Ejtemaie, year 2, number 3.
- Shami, Yusuf Ibn Hatam (1420 AH); Al-Dor al-Nazim fi Manaqib al-aemmah al-Hamim, Qom: Jamia Modarresin.
- Tabari Amoli, Muhammad Ibn Jarir (1415 AH); Al-Mustarshed fi Imamate Ali Ibn Abi Talib (AS), researcher/corrector: Mahmoudi, Ahmad, Qom: Nashr kushanpoor.
- Tabresi, Ahmad Ibn Ali (1403 AH); Al-eHtijaj Ala Ahl al-leJaj, researcher/corrector: Khorsan, Mohammad Baqir, Mashhad: Nashr Morteza.
- Tabresi, Fazl Ibn Hasan (1417 AH); Ealam al-Wara bi Aalam al-Huda, researcher/corrector: Al-Bayt Foundation, Qom: Al-alBayt.
- Velayati Kababian, Maryam (1399 SH), Ghoftemanhaye Tafsiri Shia Dar Kufa, Mashhad: Bonyad pazuheshhaye Astan Quds Razavi.
- Warram Ibn Abi Firas, Masoud (1410 AH); Majmuat Warram, Qom: Maktabat Faqih.
- Yazidi Hayeri, Ali (1422 AH); Elzam Al-Naseb fi Esbat Al-hojjat Al-Ghaeb, researcher/corrector: Ashour, Ali, Beirut: Est. Al-Alami.